

ورود اولین دستگاہ آگراندیسور (بزرگ سازعکس) به ایران*

** دکتر محمد ستاری

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۷/۱۸
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۴/۳

چکیده:

در دوران اولیه عکاسی در جهان و همچنین در ایران، چون هنوز دستگاہ بزرگ سازعکس یا آگراندیسور ابداع نشده بود، عموماً برای آنکه نیاز به عکس‌های بزرگ را برآورده سازند، دوربین‌ها را بزرگ می‌ساختند تا شیشه‌های بزرگ در آنها جای گیرد و سپس از روی همان شیشه‌ها، عکس را به طریق کنتاکت (تماس مستقیم شیشه بر روی کاغذ) چاپ می‌کردند تا اینکه در سال ۱۲۷۴ ق/ ۱۸۵۷ م دستگاہ آگراندیسور خورشیدی در خارج از کشور ابداع شد. قطعاً این دستگاہ سریعاً و در همان سال‌ها به ایران نرسید. قدیم‌ترین رساله‌های عکاسی دوره ی قاجار که در آنها از بزرگ نمودن عکس یا آگراندیسمان نام برده شده یکی رساله احمد (سال نگارش بین ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ ق) و دیگری رساله پاپاریان دواساز (سال نگارش ۱۳۱۳ ق) است. ورود اولین دستگاہ آگراندیسور را که منبع تأمین روشنایی آن با سوزاندن نفت و یا انرژی از پیل الکتریکی کار می‌کرده است به سال ۱۳۰۵ ق پس از بازگشت میرزا محمد خان حشمت الممالک برادر دوست محمد خان معییر الممالک از فرانسه نسبت می‌دهند. اما با یافتن اسنادی توسط صاحب این قلم مشخص می‌شود که یک دستگاہ آگراندیسور از سال ۱۲۸۴ ق در عکاس خانه سلطنتی موجود بوده و آقارضا حدافل از سال ۱۲۸۷ ق با آن دستگاہ برای بزرگ نمایی شیشه عکس اقدام نموده است. این اسناد و مدارک برای اولین بار در تاریخ عکاسی ایران مطرح می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

عکاسی، تاریخ عکاسی ایران، آگراندیسور (دستگاہ بزرگ ساز عکس)، ناصرالدین شاه قاجار، آقا رضا عکاس باشی، عکاسی دوره قاجار.

* این مقاله از رساله دکتری عکاسی تحت عنوان "بررسی تطبیقی میان آثار آقارضا اقبال السلطنه اولین عکاسی حرفه‌ای ایران و تنی چند از معاصرین وی در جهان" برگرفته شده که در سال ۱۳۸۲ به راهنمایی دکتر مهدی حسینی، دکتر شهریار عدل و دکتر غلامعلی حاتم توسط نگارنده در دانشگاه هنر به انجام رسیده است.
** استادیار گروه ارتباط تصویری و عکاسی، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبای، دانشگاه تهران.

مقدمه

دوربین‌های بزرگ طبیعتاً حجیم بوده و وزن بسیار داشتند و هنگام کار عکاسان را با مشکلات زیادی مواجه می‌ساختند. تا اینکه در ۱۸۵۷ م / ۱۲۷۴ ق دستگاه آگران‌دیسور خورشیدی در خارج از کشور ابداع شد. (Kraszna-Krousz, 1982, 194) با این دستگاه عکاس قادر بود عکس‌هایی بزرگ‌تر از اندازه شیشه نگاتیو چاپ کند. از این رو دیگر نیاز به استفاده از دوربین‌های بزرگ رفته رفته منتفی شد.

ورود اولین دستگاه آگران‌دیسور به ایران را سال ۱۳۰۵ ق / ۱۸۸۷-۸۸ م ذکر می‌کنند (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۰۳) و (صافی، ۱۳۶۸، ۴ و ۵).

اما با دستیابی به اسنادی نویافته معلوم شد که یک دستگاه آگران‌دیسور از ۱۲۸۴ ق / ۶۸-۱۸۶۷ م در عکاس‌خانه سلطنتی موجود بوده و آقارضا عکاس‌باشی در ۱۲۸۷ ق / ۷۱-۱۸۷۰ م با آن اقدام به بزرگ‌نمایی عکس کرده است (ستاری، ۱۳۸۲، ۲۸۹).

پس از اعلام رسمی ابداع عکاسی در هفتم ژانویه ۱۸۳۹ م در آکادمی علوم فرانسه به روش داگر^۱ (تهیه تصویر روی صفحه فلزی) عکاسی در جهان فراگیر شد. (strobel, 1993, 181) با روش تالبوت^۲ (تهیه تصویر بر روی نگاتیو کاغذی) در فوریه ۱۸۴۱ م عکاسی مبتنی بر نگاتیو و پزتیو آغاز شد (Ibid, 70).

روش داگر تصویری مثبت و یگانه بر روی فلز پدید می‌آورد و امکان تکثیر و بزرگ‌نمایی آن وجود نداشت. روش تالبوت هرچند امکان تکثیر عکس از نگاتیو کاغذی را بر روی کاغذی دیگر فراهم می‌آورد اما اندازه عکس در نهایت برابر با اندازه نگاتیو بود.

در مارس ۱۸۵۱ م شیوه عکاسی بر روی نگاتیو شیشه‌ای که ابداع آرچر^۳ بود آغاز شد (Ibid, 868).

در این زمان به جهت تهیه عکس‌های بزرگ لاجرم مجبور بودند دوربین را بزرگ بسازند تا شیشه بزرگ در آن جای گیرد و سپس از روی همان شیشه عکس را به طریق کنتاکت چاپ می‌کردند.

آقارضا عکاس‌باشی، کار با آگران‌دیسور و بزرگ‌نمایی عکس

میرزا علی نقی بعدها برای آموختن طب به پاریس می‌رود و طبیب می‌شود، اما میرزا حسین خان به همان شغل پیشخدمتی بسنده کرد. عمده مستندات در بخشی از رساله که به معرفی خاندان آقارضا اختصاص دارد آورده شده است. ضمناً به بخش اسناد و دستخط‌های آقارضا نیز رجوع شود. بیشتر اطلاعات در خصوص آقارضا مرهون اعتماد السلطنه در کتاب‌های المآثر و الاثر، مرآت‌البلدان ناصری و روزنامه خاطرات وی است که بعدها، محققین دیگر از آنها اقتباس کرده‌اند. مثلاً "مهدی بامداد اینگونه به معرفی آقارضا و سیر زندگی وی می‌پردازد:

"آقارضا خان عکاس‌باشی، آجودان مخصوص، اقبال‌السلطنه متولد ۱۲۵۹ هـ. ق، پسر آقا اسمعیل جدیدالاسلام و برادر میرزا علی‌نقی حکیم الممالک. آقارضا خان در آغاز کار از پیشخدمتان حضور ناصرالدین شاه بود و سپس در سال ۱۲۸۰ هـ. ق. به لقب عکاس‌باشی (البته عکاس‌باشی شاه) و پس از بازگشت [از سفر اول فرنگ] علاوه بر سمت‌های عکاس‌باشی و پیشخدمت مخصوص به سمت خازن صرف جیب شاه ملقب گردید. در سفر اول و

آقارضا فرزند حاج اسماعیل (متولد ۱۲۵۹ قمری / ۱۸۴۳ م و فوت ۱۳۰۷ قمری / ۱۸۹۰ م) اولین ایرانی است که در سال ۱۲۸۰ ق / ۶۴-۱۸۶۳ م لقب "عکاس‌باشی" را از ناصرالدین شاه دریافت کرد (روزنامه شرف، سال ۲، ش ۳۳، ذیقعد ۱۳۰۲). او از کودکی در دربار ناصری حضور داشت و پس از آموختن عکاسی مسئول عکاس‌خانه سلطنتی شد.

شهر محل تولد آقارضا نامعلوم و در مآخذ در دسترس، به نام آن اشاره‌ای نشده است.

ملا بابا کلیم پدر بزرگ آقارضا علی‌القاعده از یهودیان ساکن اصفهان بوده است. پدر آقا رضا پس از قبول اسلام ملقب به جدیدالاسلام می‌شود. این خاندان از زمان پدر آقارضا با دودمان قاجار ارتباط نزدیک داشته‌اند. آقا اسماعیل جدیدالاسلام در کودکی پیشخدمت فتح‌علی شاه و سپس پیشخدمت‌باشی محمدشاه قاجار و بعداً ناصرالدین شاه می‌شود.

آقارضا از کودکی با محیط دربار ناصری آشنا و جزو غلام بچه‌های درباری بود. بعدها پیشخدمت مخصوص ناصرالدین شاه می‌شود. دو برادر دیگر وی یعنی میرزا علی نقی و میرزا حسین خان نیز در اوایل از پیشخدمت‌های درباری بودند.

قوی شوکت است به آموختن این علم شریف [عکاسی] بر حسب امرهمایون مأمور گشت. چندی بر نیامد که از یمن توجهات ملوکانه درین عمل تکمل یافت و شناسایی کامل حاصل نمود. خاطر مبارک خسروانی از این معنی خرسند گشته مشارالیه را به عوطف ملوکانه مفتخر ساخته..." (افشار، ۱۳۷۱، ۳۷ و ۸۵).

آقارضا شش سال تحت آموزش عکاسی قرار گرفت و اقدام بعدی ناصرالدین شاه برای انتشار عکاسی و وسعت این هنر آن بود که در کاخ گلستان، ساختمانی را برای فعالیت‌های هنری و فنی آقارضا اختصاص دهد. در جلد سوم مرآت البلدان صفحه‌های ۲۱ و ۲۲ چنین می‌خوانیم: "... [ناصرالدین شاه] از برای انتشار این علم و وسعت درین علم، یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را مخصوصاً عکاسخانه مبارکه فرموده که گاهی از کارها فراغت حاصل می‌فرمودند، برای تماشا و ترقی این عمل به آنجا تشریف می‌بردند..." (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۷).

مقرر بود اولین عکاسی حرفه‌ای ایران تحت امر و فرمان شاه از هر آنچه او می‌خواست و مقرر می‌کرد (البته با حفظ تابوها از سوی آمر و مأمور) عکس بردارد:

"... چون خاطر خطیر همایون به رواج و ترقی این علم تعلق گرفت، خود ذات ملکوتی صفات... بر این علم اطلاع یافته بر آن شدند که یکی از چاکران دربار حضرت شاهنشاهی و خاصان خلوت همایون نیز در این فن مهارتی تمام یابد که سفراً و حضراً به موجب امرملوکانه، آشنا و غریبه و آثار قدیمه را عکس بردارد و خاطر مبارک را در اوقات فراغت بدان مشغول سازد... در اسفار بزرگ مثل سفر خراسان و مازندران و کربلای مصلی عکس جمیع اماکن و ابنیه قدیمه و آثار بعیده را عکس برداشته و مرقع ساخته، به حضور مبارک تقدیم می‌نمودند که الان هم در حضور همایون است..." (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۷).

آقارضا عکاس باشی اولین ایرانی است که از بقاع متبرکه همچون حرم و بارگاه قدسی حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس عکاسی کرد. وی چند ماه قبل از سفر به عتبات عالیات که از (۲۵ جمادی الثانی تا ذی الحجه ۱۲۸۷) صورت پذیرفت عباسعلی بیک شاگرد خویش را روانه آنجا ساخت تا از آثار و ابنیه آن مکان و بین راه عکس بگیرد.

آقارضا پس از بازگشت عباسعلی بیک، شیشه‌های عکاسی دستمائی سفر را شخصاً چاپ کرده، آلبوم ساخت و به مهدعلیا مادرشاه تقدیم کرد. بنابر این نبایستی عکاسان این دو سفر رایکی فرض کرد. آلبوم‌های شماره ۳۸ و ۱۶۸ کاخ گلستان رهاورد سفری است که آقارضا به همراه شاه به کربلا داشته (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۳) و آلبوم دیگر به شماره ۲۹۳ که ۱۰۱ عکس دارد، حاصل سفر عباسعلی بیک به آن خطه

دوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال‌های ۱۲۹۰ و ۱۲۹۵ هـ.ق [۱۸۷۳ و ۱۸۷۸ میلادی] به همراه شاه به اروپا رفت. از سال ۱۳۰۱ هـ.ق رئیس و وزیر قورخانه شد.

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های خود (۱۵ رمضان ۱۳۰۱ می‌نویسد: "ریاست قورخانه به آجودان مخصوص در عوض پانزده هزار تومان پیشکش در هر سال از تفاوت عمل" و در سال ۱۳۰۲ هـ.ق. ملقب به اقبال السلطنه شد. در سال ۱۳۰۴ هـ.ق علاوه بر وزارت قورخانه، نیابت فتحعلیان پسر یک ساله و نیمه کامران میرزا نائب السلطنه را [که امیر توپخانه شده بود] داشته است. نامبرده در یک زمان هم رئیس توپخانه و هم وزیر قورخانه بوده است. در سال ۱۳۰۶ هـ.ق. که محمد صادق خان امین نظام، رئیس توپخانه به علت نزاع توپچی‌ها و نسقچی‌ها در روز سلام و مرخص کردن توپچی‌ها از عمارت توپخانه از تمام مناصب و شئونات خلع شد، شاه توپخانه را با گرفتن پنج هزار تومان پیشکشی به اقبال السلطنه داد. وی در اواسط سال ۱۳۰۷ هـ.ق به مرگ ناگهانی در آجودانی شمیران، باغ شخصی خود فوت کرد..." (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۱، ۵۱۳).

آقارضا پس از سال ۱۲۷۵ قمری / ۵۹ - ۱۸۵۸ حسب امر و علاقه ناصرالدین شاه به عکاسی زیر نظر فرانسویس کارل‌هیان عکاس فرانسوی که به تهران آمده بود، به آموختن فنون عکاسی پرداخت و چون در این فن مهارت یافت، طی فرمان ناصرالدین شاه در ۱۲۸۰ قمری ملقب به "عکاس باشی" شد. ترتیب القاب و سایر سمت‌های بعدی وی به نقل از روزنامه شرف، سال سوم، شماره ۲۳ (ذیقعد ۱۳۰۲ قمری) صفحات ۳ و ۴ از این قرار است:

- کسب مهارت در "صنعت عکاسی" ملقب به "عکاس باشی" در سال ۱۲۸۰
- کسب لقب "آجودان مخصوص و خزانه داری صرف جیب مبارک" در سال ۱۲۹۰
- واگذاری "اداره کل توپ‌های ممالک محروسه" به وی در سال ۱۲۹۹

- عهده دار "وزارت قورخانه" دولت در سال ۱۳۰۱
- عهده دار "اداره باروط کوبی"، "شوره پزی" [و] "گوگرد سازی" کل ممالک محروسه در سال ۱۳۰۲.

در مورد آموزش عکاسی آقارضا به امر و فرمان ناصرالدین شاه در مرآت البلدان ناصری نوشته اعتمادالسلطنه، جلد سوم ذیل سال ۱۲۸۰ قمری چنین آمده است:

"... آقارضا پیشخدمت خاصه که امروز [تاریخ نگارش متن توسط اعتماد السلطنه ۱۲۹۵ قمری است] آجودان مخصوص حضور همایون و خازن صرف جیب مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی و محل وثوق و اعتماد ذات کامل الصفات خسروانی و از خانه زادن حقیقی و ترتیب یافتگان این دولت

(پایان سفر در ماه صفر ۱۲۸۷ قمری) است. اما عکس‌های هر دو سفر توسط آقارضا عکاس باشی چاپ شده‌اند. یحیی ذکاء تعداد عکس‌های چاپ شده از سوی آقارضا را ۷۹ قطعه می‌داند (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۸).

آقارضا در مقدمهٔ آلبوم شمارهٔ ۲۹۳ کاخ گلستان به علاقه و تأکید ناصرالدین شاه برای دیدن مجموعه عکس‌های عتبات عالیات اشاره دارد:

"از آنجا که اخلاص و ارادت اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی ولینعمت‌اهالی کل ممالک محروسه ایران، روحی و روح العالمین فدا، بخانه واده [به خانواده] رسالت و اهل بیت طهارت بی نهایت است، در شهر شعبان ۱۲۸۶ به این خانه زاد، رضای عکاس‌باشی و پیشخدمت حضور همایون، امر و مقرر فرمود که یک نفر عکاس قابل روانه عتبات عالیات نماید که عکس تمام اماکن مشرفه را انداخته به حضور مبارک بیاورد. خانه زاد هم عباسعلی بیک را که در این عمل، سال‌ها بود در عکاسخانه مبارکه مشغول خدمت و تعلیم [دیدن] عکاسی بود، با مخارج دولتی و عزت تمام روانه و مأمور این خدمت نمود. در شهر صفر هزار و دویست [و] هشتاد و هفت مأموریت خود را انجام داده عکس‌های اماکن مشرفه و غیره را انداخته معاودت نمود. این خانه زاد، در عکاسخانه مبارکه به روی کاغذ نقل نمود و آلبوم ساخته بحضور ساطع النور همایون شاهنشاهی بُرد. امید که در حضور شاهنشاه اعظم پسندیده و مقبول طبع مبارک افتد" (طهماسب پور، ۱۳۸۱، ۷۴).

آقارضا در سفر نخستین ناصرالدین شاه به فرنگستان در ۱۲۹۰ قمری / ۱۸۷۳ میلادی جزو همراهان بود و یحیی ذکاء و ایرج افشار هر کدام دو عکس مختلف اما در یک مکان را در کتاب‌های خویش آورده‌اند (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۳) و نیز (افشار، ۱۳۷۱، ۴). اما نکته قابل تذکر آنکه افشار در عکس مزبور آقارضا را نریمان خان قوام السلطنه نامیده‌است (همان). در سفر دوم فرنگستان ۱۲۹۵ قمری / ۱۸۷۸ میلادی نیز دیگر بار آقارضا جزو ملتزمین رکاب بود. یحیی ذکاء متذکر می‌شود آقارضا ضمن سفر در کشورهای گوناگون از مناظر و همراهان شاه عکس‌های فراوان گرفته که برخی از آنها در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه چسبانیده یا چاپ شده و برخی نیز در آلبوم‌ها و یا در دست اشخاص موجود است (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۴). اما سندی برای این ادعا ارائه نشده است.

آقارضا بر اثر استعداد ذاتی و هوش درایت خویش، مراحل ترقی را یک به یک طی کرد، و در سال‌های آخر عمر که کمتر به عکاسی اشتغال داشت به مناصب و مقام‌های مهم دولتی دیگر دست یافت: ریاست "اداره کل توپ‌های ممالک محروسه" در ۱۲۹۰، وزارت قورخانه در ۱۳۰۱ و مدیریت اداره‌های باروت کوبی، شوره پزی و گوگرد سازی در ۱۳۰۲ به وی

واگذار شده بود. در همین سال والاترین لقب درباری یعنی اقبال السلطنه از سوی شاه به او واگذار شد. القابی که پسوند "سلطنه" دارند، شاخص‌ترین القاب دورهٔ ناصری هستند (کارلا سرنا، ۱۳۶۳، ۱۲۵) و نیز (هاشمیان، ۱۳۷۹، ۱۴۵). نیابت توپخانه در ۱۳۰۴ و ریاست توپخانه در ۱۳۰۶ قمری، هنگامی که همچنان آقارضا مقام وزارت قورخانه را داشت به او محول شد. رسیدگی به همهٔ امور حاصل از این مسئولیت‌ها اوقات وی را کاملاً به خود اختصاص می‌داد و او دیگر از سمت اولیه، "عکاس باشی" مخصوص شاه فاصله گرفته بود. مثلاً در پست وزیر قورخانه به اتفاق مترجم و شاید وزیر امور خارجه در تهران با سفرهای کشورهای آلمان، اتریش و آمریکا دیدار داشت (ولایتی، ۱۳۷۸، صص ۲۱۳، ۲۱۶ و ۲۱۹).

همچنان که ذکر شد در دوران اولیه عکاسی در جهان و همچنین در ایران چون هنوز دستگاه آگراندیسور ابداع نشده بود، عموماً برای آنکه نیاز به عکس‌های بزرگ را برآورده سازند، دوربین‌ها را بزرگ می‌ساختند تا شیشه‌های بزرگ در آنها جای گیرد و سپس از همان شیشه‌ها عکس را به طریق کنتاکت (تماس مستقیم شیشه بر روی کاغذ) چاپ می‌کردند تا اینکه در ۱۸۵۷ م مطابق ۱۲۷۴ ق دستگاه آگراندیسور خورشیدی در خارج از کشور ابداع شد.

قطعاً این دستگاه سریعاً و در همان سال‌ها به ایران نرسیده است. قدیم‌ترین رساله‌های عکاسی دورهٔ قاجار که در آنها از بزرگ نمودن عکس یا آگراندیسمان نام برده شده یکی رسالهٔ احمد (سال نگارش بین ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ ق) و دیگری رسالهٔ پاپاریان دواساز (سال نگارش ۱۳۱۳ ق) است (ذکاء، ۱۳۷۶، صفحات ۷۵ و ۳۲۴).

ورود اولین دستگاه آگراندیسور را که منبع تأمین روشنائی آن با سوزاندن نفت و یا پیل الکتریکی کار می‌کرده است به سال ۱۳۰۵ ق پس از بازگشت میرزا محمدخان حشمت الممالک برادر دوست محمدخان معیر الممالک از فرانسه نسبت می‌دهند (صافی، ۱۳۶۸، ۴ و ۵) و نیز (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۰۳).

اما با یافتن سندی که متن آن در ادامهٔ مقاله می‌آید مشخص می‌شود یک دستگاه بزرگ ساز عکس یا آگراندیسور از ۱۲۸۴ ق/ ۶۸-۱۸۶۷ م در عکاس‌خانهٔ سلطنتی موجود بوده است.

تقاضای عکاس مخصوص دربار در خصوص واگذاری

تمامی ابزار و آلات عکاسی و دواخانه به وی 'تهران'

۱۲۸۴ ق^۲

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس شاهنشاهیت شوم به حمدالله خداوند متعال کمال اقتدار و تسلط عدالت را باعلیحضرت شاهنشاهی عنایت فرموده که هرکس را در شغل و

ناقص است و از دواهای آن چیزی باقی نماند و همه را تلف می‌کند و آن اسباب را همان قسم ناقص می‌گذارند [۱] باز سفر دیگر اسباب علیحده برمی‌داریم و در مراجعت شکسته و ناقص باز می‌ماند [۲] چنانچه الان با همه این اسباب متعدد یک دستگاہ کامل بی‌عیب نیست و اسباب انگلیسی [دوربین ساخت انگلستان] که بهترین اسباب‌ها و با قیمت است با بعضی اسباب‌های دیگر خورد [خُرد] و شکسته و بی‌مصرف شده است و ضرر کلی به دیوان وارد آمده است از آن جمله به جهت سفر خراسان آنچه اسباب و دوا برداشته شده بود [۳] بیشتر اسباب‌ها تلف و اکثر دواها نابود گشت و بقیه آنچه باهت‌مأم خانه زاد برگشت باز چندان به کار نمی‌آید و دیگر اینکه آنچه مخارج عکاسی و عکاسخانه قبله عالم باشد حتی دواهایی که خود قبله عالم کار می‌کند و اسبابی که لازم می‌شود از هر قبیل همه را از خود پیش‌کش می‌کند و از دیوان دیناری جهت [جهت] مخارج این کار نمی‌خواهد [۴] حتی اینکه هر وقت دوا و اسبابی لازم بشود که از فرنگستان یا از کمپانی خرید شود قبله عالم دیناری ندهند [۵] به عهده خانه زاد است که بخرد و پیش‌کش کند و آنچه اسباب و دوائی که الان موجود است به هیچ قسم کار نمی‌شود همه را با کمال [یک کلمه ناخوانا] بجهت [به جهت] زینت در عکاسخانه می‌گذارد که اسباب تماشای داخله و خارجه باشد و دیگر اینکه حاصل عمل هر هفته [را] بحضور مبارک فراهم آورد [۶] مثلاً اسبابی است که عکس بزرگ را بسیار کوچک و عکس کوچک را بسیار بزرگ می‌توان کرد [۷] [یعنی دستگاہ آگراندیسور و این قدیم‌ترین اشاره به این دستگاہ در تاریخ عکاسی ایران است] همه بدون حاصل بیکار و بیمصرف مانده است و اسباب‌های آن کم‌کم شکسته و بیمصرف شده است بنمک با محک [به نمک با محک] شاهنشاه قسم است هیچ منظور و خیالی در این عرض و استدعا ندارد مگر اینکه از مرحمت شاهنشاه باین واسطه شأنی داشته و بشغل و عمل خود [یعنی عکاس باشی دربار] رسیده باشم که دیگران مداخله در این کار نداشته باشند و الا این کار بجهت [به جهت] خانه زاد مداخلی ندارد ولی فایده بزرگش اینست که خانه زاد خدمت خود را بهتر جلوه میدهد و بر شاهنشاه بیشتر معلوم می‌شود و با کمال اقتدار مواظب شغل و عمل خود می‌شود [۸] بخدا و بنمک [به نمک] شاهنشاه قسم است در این سفر [سفر اول خراسان] که از ۱۵ ذیحجه الحرام سنه ۱۲۸۳ الی ۲۲ جمادی الاولی سنه ۱۲۸۴ هجری قمری انجام شد [۹] هرچه خواست یک عکس خوب بردارد نهایت اینکه اسباب چنانکه باید جمع نبود ممکن نشد و همچو تصور خواهند فرمود که خانه زاد نتوانسته است از عهده برآید و حال آنکه در توجه تربیت شاهنشاه بسیار خوب از عهده این کار می‌توان برآیم [۱۰] ادلیلی ندارد که اعتبار یک نفر فراش و سقا بیش از خانه زاد باشد [۱۱]

سال هاست خدمت می‌کنم و امیدوارم این استدعا قبول شود و انشا... این عرض خانه زاد را از همقطاران پوشیده

کار خود مسلط و استدعای هرکس را بدرجه قبول مقرون فرمودند [۱۲] دو دقیقه هم اوقات شریف همایون را صرف عرض خانه زاد [یعنی آقارضا عکاس باشی] فرمایند [۱۳]

سرکار اقدس همایون بیست سال است خانه زاد را همه قسم تربیت فرموده و نان و نعمت داده‌اند [۱۴] هرگاه خانه زاد در حفظ حالت حالیه نکوشد و خدای نخواستہ در خاکپای مبارک یا در میان مردم به بی‌مبالاتی یا ناقابلی یا قسم دیگر بقلم رده [؟] و معروف شود پس ناچار باید عرض خود را بعاکفان حضور عنایت دستور نموده و چاره معایب کار خود را از سرکار شاهنشاهی که چاره ساز همه هستند درخواست کند [۱۵] شش سال متجاوز است که خانه زاد به امیدهای زیاد از توجه و تربیت اعلیحضرت شاهنشاهی در علم و عمل عکاسی زحمت‌ها کشیده و رنج‌ها برده و مخارج‌ها کرده تا اینکه علم و کار خود را قابل بزم حضور شاهنشاه نموده در این کار اسم [و] رسمی پیدا کرده است [۱۶] حالا با وجود خدمات و زحمات و اسم خانه زاد که در جمیع دول بعکاس مخصوص شاهنشاه ایران معروفست [۱۷] از برای خانه زاد در نزد دوست و دشمن و [یک کلمه ناخوانا] و داخله و خارجه و عکاسان کمال خفت و سر شکستگی است که این شغل و عمل [یک کلمه ناخوانا] تمام سپرده باین غلام نیست [۱۸] مردم چنان خیال می‌کنند که قبله عالم از جان نثار خلاف و خیانتی دیده‌اند که مختصر اسباب عکاسی [دوربین] خود را با دواخانه مخصوص باین غلام نمی‌سپارند و محض همین فقره شأن و قدری از برای خانه زاد باقی نمانده است [۱۹]

و چون عدالت شاهنشاه عالم گیر است با کمال امیدواری از خاکپای مبارک مستدعی می‌شود پس از آنکه رأی ملوکانه قرارگرفت که این التفات در حق خانه زاد بشود مقرر فرمایند یکی از مستوفیان عظام با کمال سعی و دقت [۲۰] جمیع اسباب [دوربین عکاسی] و اجزا و دواها را با سیاهه و کتابچه تحویل خانه زاد بدهد و از جان نثار سند دریافت کنند و سالی یک دفعه بازدید کنند [۲۱] هر وقت از جزوی [جزئی] تا کلی عیب به هم رساند یک دینار را صد دینار عوض بگیرند و خانه زاد را تنبیه و تأدیب کامل فرمایند [۲۲] فایده اینکه این التفات در حق خانه زاد بشود اینست که بیشتر از دواها و اسباب‌ها را چون سررشته در نگاهداری و حفظ آنها ندارند ضایع و شکسته و بیمصرف شده است که الان هیچ فایده ندارد [۲۳] پیشتر پنبه‌های باروطی [ماده اولیه ساخت کلودیون تر] و زاج و یدها تجزیه شده و اترها ترش شده است [۲۴] در صورتی که اسباب‌ها سپرده بخانه زاد باشد هرگز هیچ دوا و اسبابی ضایع نخواهد شد و جمیع دواهای ضایع شده را عوض کرده [۲۵] تازه دوائی بسیار خوب از خود بجای آن می‌گذارد [۲۶] دیگر اینکه در هر سفر کوچک و بزرگی که تشریف فرما می‌شوند خانه زاد یکدست اسباب تمام با جمیع دواهای لازمه آن برمی‌دارد [۲۷] چون کسی اهتمام در نگاهداری آن نمی‌کند و هر روز بیکی [به یکی] سپرده می‌شود در مراجعت از سفر آن اسباب جمیعاً خورد [خُرد] و شکسته و

وضوح کافی] بود و بروی [بر روی] کاغذ خوب نمی آمد [۰] چون مقرر شده بود که امروز عکس خوبی با آن [آن] اسباب [به احتمال قوی دستگاه آگراندیسور یا همان بزرگ ساز] به حضور مبارک بیاورد دوباره نخواست زحمت بوجود مبارک برسد [۰] خانه زاد [یعنی آقارضا] عکاس باشی] یک عکس از موچولخان [موچول خان] انداخت و الان [الان] مشغول بپرک [به بزرگ] کردن و اتمام عمل است [۰] تا عصر که بیرون تشریف بیاورید تمام و خوب به نظر انور شاهنشاهی خواهد رسید [۰].

خواهند داشت که مایه عداوت نشود تا وقتی که بخواهند کار را به خانه زاد بسپارند [۰].
امر ['] امر شاهنشاه است
در سند نویافته دیگر 'آقارضا به کار با دستگاه بزرگ ساز عکس برای بزرگ نمایی عکس موچول خان در سال ۱۲۸۷ ق/ ۷۱-۱۸۷۰ م اشاره می کند:
قربان خاکپای مبارکت شوم
شیشه عکسی که اعلیحضرت شاهنشاهی انداخته بودند از اتفاقات قدری بی پرداز [کم رنگ] و بدمیزان [عدم

نتیجه گیری

این رو طبق اسناد نویافته که در مقاله حاضر به آنها اشاره شد تاریخ ورود اولین دستگاه بزرگ ساز عکس (آگراندیسور) به ایران که تا به حال سال ۱۳۰۵ ق/ ۸۸-۱۸۸۷ م محسوب می شد 'سندیت خود را از دست می دهد و باید باور داشت که ورود دستگاه مزبور ۲۱ سال قبل از تاریخی بوده که محققان تاریخ عکاسی ایران بدان اشارت داشته اند.

آقارضا اولین عکاس حرفه ای ایران که در سال ۱۲۸۰ ق/ ۶۴-۱۸۶۳ م لقب عکاس باشی یافت حداقل از تاریخ ۱۲۸۷ ق/ ۷۱-۱۸۷۰ م با دستگاه بزرگ ساز عکس (آگراندیسور) اقدام به بزرگ نمایی و چاپ عکس کرده و یک دستگاه بزرگ ساز عکس (آگراندیسور) از سال ۱۲۸۴ ق/ ۶۸-۱۸۶۷ م در عکاسخانه سلطنتی موجود بوده است. از

پی نوشت ها :

- ۱ - Daguer, Louis- jacques- Mande (1787-1851)
- ۲ - Talbot, William Henry Fox (1800-1877)
- ۳ - Archer, Frederick Scott (1813-1857)
- ۴ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران 'سند شماره ردیف ۰۰۱۲۵۹-۲۹۵ محل در آرشیو ۱۴۴ الف / الف / ۱ 'تاریخ سند ۱۲۸۴ قمری 'تهران (دو برگ).
- ۵ - از مقدمه آلبوم شماره ۲۴۴ کاخ گلستان 'عکاس این سفر آقارضا بوده است. ابعاد این آلبوم ۳۵×۴۷ سانتیمتر' با جلد مخمل قرمز دارای چفت و بست و لبه طلائی شامل ۱۴۲ قطعه عکس است.
- ۶ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران 'سند شماره ردیف ۰۰۲۴۲۹-۲۹۵ محل در آرشیو ۱۴۵ آ / آ / ۱ شماره فیش ۰۲۲۴۴ 'تاریخ سند ۱۲۸۷ قمری.

فهرست منابع :

- افشار، ایرج (۱۳۷۱)، "گنجینه عکس های تاریخی ایران"، نشر فرهنگ ایران، تهران.
بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، "شرح حال رجال ایران"، ج اول، زوار، تهران.
ذکاء، یحیی (۱۳۷۶)، "تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران"، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
روزنامه شرف (۱۳۰۲ ق)، سال ۲، ش ۳۳، صفحه های ۳ و ۴.
سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، اسناد شماره ردیف ۰۰۱۲۵۹-۲۹۵ و ۰۰۲۴۲۹-۲۹۵.
ستاری، محمد (۱۳۸۲)، "بررسی تطبیقی میان آثار آقارضا اقبال السلطنه اولین عکاس حرفه ای ایران و تنی چند از معاصرین وی در جهان"، رساله دکتری، دو جلد، جلد اول صفحه های ۲۸۹ و ۲۹۳، دانشگاه هنر، تهران.
صافی، قاسم (۱۳۶۸)، "عکس های قدیمی ایران"، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
طهماسب پور، محمدرضا (۱۳۸۱)، "ناصرالدین شاه عکاس"، نشر تاریخ ایران، تهران.
ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۵)، "تاریخ روابط خارجی ایران دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه"، چاپ دوم، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
هاشمیان، احمد (۱۳۷۹)، "تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجار و مدرسه دارالفنون"، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، تهران.

kraszna - krausz. A and others (1982), "The focal Encyclopedia of photography", Focal press, London .

Strobel , Leslie and zakia , Richard (1993), "The Focal Encyclopedia of photography", Focal press , Boston an London.

